

سرزنش چین بحران اوکراین را حل نخواهد کرد

=====

برگرفته از سایت گلوبال تایمز (چین)

دوشنبه گذشته وانگ ونبین سخنگوی وزارت امور خارجه چین اعلان نمود که انتونی بلینکن وزیر امور خارجه ایالات متحده از ۲۴ تا ۲۶ اپریل از چین دیدار خواهد کرد. این؛ پس از سفر جنت یلن رییس خزانه داری آمریکا به چین؛ مهمترین دیدار خواهد بود.

هفته گذشته رویتر از قول یک منبع رسمی بلندپایه اذعان داشت که دولت ایالات متحده آماده است تا شرکت های چینی را که از جنگ روسیه در اوکراین حمایت می کنند، تحریم کند و این موضوع اساسی خواهد بود که بلینکن طی سفر خویش مطرح خواهد نمود.

چین شریک مستقیم این جنگ نیست و نسبت به هردو جانب بی طرف است. لذا ادعای اینکه چین یک طرف را در برابر طرف دیگر حمایت می کند، بطور کلی یک توهم می باشد.

چین از همان آغاز در سمت قطع فوری آتش بس و پایان دادن به خصومت ها به منظور حفظ جان افراد غیر نظامی از هردو طرف درگیر ایستاد بود. در نخستین سالگرد آغاز جنگ میان روسیه و اوکراین، چین با پیشنهاد صلح ظاهر شد که هنوز هم روی میز قرار دارد. هر دشمنی که میان روسیه و اوکراین موجود باشد، باید روی میز مذاکره گذاشته شود.

اگر ایالات متحده بخواهند تخم اختلاف میان چین و روسیه را بکارند، آنها بکلی در خط غلط قرار گرفته اند. گذشته از هر چیز دیگر ما دارای ۴۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک هستیم. این یک عامل بسیار مهم برای حفظ ثبات در منطقه اوراسیا می باشد.

با اتهام نابجا بالای ما در حمایت نظامی از روسیه، واشنگتن می خواهد چین را در مرکز توجه قرار دهد. اما سرزنش چین بحران اوکراین را حل نمی کند.

ایالات متحده برای چین لکچرها می خوانند، با چین گفتگو می کنند و تلاش می ورزند تا حقیقت خویش را بر چین تحمیل نمایند. واشنگتن دو بار باید به این بیندیشد، اگر چنین تصویری دارد که چین این لکچرها و این تحمیل مواضع آنها را خواهد پذیرفت. لازم است تا پیکنگ و واشنگتن به همدیگر احترام متقابل داشته و بطور مساوی باهم برخورد نمایند.

ما همیشه با هم متفاوت باقی خواهیم ماند، اما اکنون زمان کاربرد دیپلوماسی، خرد و احترام متقابل در برخورد با همدیگر است، زمان تلاش برای دریافت راه حل؛ با وجود تمام تفاوت ها.

اگر واشنگتن به پیکنگ می آید و تلاش می کند تا نسخه حقیقت خودش را بر چین تحمیل کند، این می تواند نتیجه معکوس داشته و برای مناسبات چین و ایالات متحده مضر واقع شود.

به بحران اوکراین و چگونگی جنگ میان اسرائیل و فلسطین نگاه کنید. به پندار من، هرکسی که در سیاست دخیل است باید بر واشنگتن اصرار نماید تا در پیشبرد کنونی اوضاع، که می تواند باعث گذار از شرایط صلح به جنگ و از جنگ منطقوی به جنگ جهانی مبدل گردد، زیاده روی نکند.

بر مبنای شناخت/درک من از ایالات متحده، اینها همیشه از سه مولفه بطور همزمان استفاده می نمایند: دیپلوماسی، جنگ و استخبارات. گاهگاه این سه ستون همدیگر را تقویت می نمایند و گاهی هم از یکدیگر پیشی می گیرند.

اگر دیپلوماسی بسیار گران تمام شود، ایالات متحده به راه حل نظامی متوسل می گردند و اگر راه جنگ ممکن نبوده و یا پرهزینه باشد، اینها به استخبارات رو می آورند. این سه مولفه بطور متقابل با هم در تضاد نبوده، بل همدیگر را تکمیل می کنند.

ایالات متحده بطور فعال این هرسه را بکار می بندند: دیپلوماسی، برخورد نظامی و استخبارات. مسئله کلیدی همانا هدف اصلی است. بازی نهایی ایالات متحده در جنگ اوکراین چی است؟

من امیدوارم، زمانی که بلینکن به پیکنگ می رسد، با استفاده از خرد، شهامت و توانایی میزان خویش با پیشنهادی برای مذاکره با چین به هدف دستیابی به صلح در اوکراین و حفظ جان بیشترین شمار ممکن افراد در آن کشور به اینجا بیاید.

نویسنده این مقال پروفیسور در پوهنتون/دانشگاه سوچوو و دستیار رییس مرکز 'چین و گلوبالیزاسیون' می باشد.

مترجم: از فحوای این مقال به نظر می رسد که با چنین درس که چین به مخالفان خویش از زنده گی و مناسبات جهانی می دهد، رهبران و سیاسیون چین هم متیقن نیستند که آیا سیاستمداران آمریکا و باقی جهان سرمایه تربیت پذیر هستند، تا واقعیت های فرا استعمار-نورا بپذیرند و با جهان غیر از غرب کنار بیایند؟

شاید بدون تغییر در رهبری این کشورهای غرق در خودپسندی، منفعت جویی و مغرور از داشته های خویش، نتوان به آرمان رهایی انسان رسید و دامن استبداد و ظلم را برای همیشه برچید؟

نیروی نظامی را که اینها برای سرکوب مخالفان خویش جمع کرده اند، بطور حتم باید مصرف شود؟

نظام سود و سرمایه در حال و اوضاع کنونی به چی درد اکثریت مردم می خورد؟

پاسخ هرکس معرف دیدگاه وی خواهد بود.

ارسالی: ص. صلاح
